

اقتراح:

امنیت اقتصادی و چالش‌های اقتصاد ایران

آرزوی دیرین تمام اندیشمندان و خیرخواهان، برقراری حکومتی عدالت و امنیت‌گستر در تمام عرصه‌های زندگی است، و پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نویدی بود تا مردم طعم شیرین امنیت، رفاه و عدالت را چشیده، شاهد تحولات اساسی در جامعه باشند.

در این راستا مقوله «امنیت اقتصادی و چالش‌های اقتصاد ایران» را به بحث گذاشته، دیدگاه اساتید بزرگوار دانشگاه دکتر فرهاد مؤمنی و حجة الاسلام والمسلمین ناصر جهانیان را جویا می‌شویم.

* شما امنیت اقتصادی را چگونه تعریف می‌کنید و شاخص‌های مهم آن را چه می‌دانید؟

□ دکتر مؤمنی: امنیت اقتصادی، یکی از شاخه‌های امنیت عمومی است که علاوه بر جنبه اقتصادی، شامل وجوه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و زیست‌محیطی نیز می‌شود.

مفهوم امنیت عمومی، ارتباط وسیعی با مجموعه شرایطی دارد که امکان «انتخاب» آزادانه و آگاهانه روش زندگی را برای مردم یک جامعه فراهم می‌سازد. به اعتبار مجموعه تغییرات و تحولاتی که در امکانات در دسترس بشر پدید می‌آید - به ویژه از طریق دستاوردهای علمی، فنی - و نیز به اعتبار تغییراتی که در نظام ارزش‌های اجتماعی، پدید

می‌آید، مصادیق عینی و عملی این «انتخاب‌ها» در شرایط زمانی و مکانی متفاوت، تحول می‌یابد. بنابراین، به درستی می‌بایست از مفهوم امنیت عمومی و به تبع آن، مفهوم امنیت اقتصادی، به عنوان مفاهیمی متحول و متغیر نام برد که در عین حال از گوهر وجودی ثابتی برخوردارند. به یک اعتبار دیگر نیز این مفاهیم می‌توانند دستخوش تحول گردند و آن تحول مصادیق عینی «داخلی» و «خارجی» فرآیندهای تهدیدکننده امنیت، می‌باشد.

به طور کلی، امنیت اقتصادی، شرایط و مجموعه فرآیندهایی است که به صورت بالنده و فزاینده، امکان انباشت سرمایه‌های انسانی و سرمایه‌های فیزیکی را فراهم می‌سازد.

در بسیاری از تعاریف کلاسیک از مفهوم امنیت اقتصادی، این شائبه به درستی پدید می‌آید که تفکیک مفهوم امنیت از مفهوم توسعه بسیار دشوار است و اغلب، امنیت به مثابه توسعه در نظر گرفته می‌شود؛ اما باید توجه داشت که مفهوم توسعه به مراتب وسیع‌تر و فراتر از مفهوم امنیت است و به اصطلاح میان آن‌ها رابطه عام و خاص وجود دارد. نکته بسیار مهم دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که اساساً تفکیک عرصه‌های زندگی اجتماعی انسان‌ها، یک تفکیک قراردادی است که هدف آن عبارت است از ارتقای شناخت ما از جزئیات هر یک از زیر سیستم‌های نظام اجتماعی، در حالی که در عمل اجتماعی، ما با برآیندی از همه عناصر و مقولات روبه‌رو هستیم که در آن‌جا برای مثال، تفکیک جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از یکدیگر بسیار دشوار است و این مسئله نیز اساساً به واسطه پیوندها و تعامل‌های ارگانیک میان این عرصه هاست.

به همین خاطر در گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ که با عنوان «ابعاد جدید امنیت انسانی» انتشار یافت، به‌طور کلی امنیت ناظر بر شرایطی تعریف شده است که برای تک‌تک انسان‌ها، امکان مصونیت در برابر بیماری‌ها، گرسنگی، بیکاری، جرم و جنایت، تعارض‌های اجتماعی، سرکوب سیاسی و آسیب‌ها و خطرات زیست‌محیطی را فراهم آورد و ملاحظه می‌شود که همه این عناصر و محورها، در مسئله امکان‌پذیری انباشت سرمایه‌های انسانی و فیزیکی سهمی دارند.

به هر حال، تا آن‌جا که به طور مشخص به مفهوم امنیت اقتصادی و شاخص‌های آن بازمی‌گردد، شاخص‌های کلی با عناوینی چون چهارچوب نهادی کارآمد، نظام حقوق مالکیت کارآمد، سیاست‌های اقتصادی کارآمد و قدرت چانه‌زنی منطقی در نظام بین‌المللی،

مهم‌ترین مؤسسه‌های امنیت اقتصادی به شمار می‌آیند و هنگامی که هریک از این عناصر، خود به محورهای جزئی‌تری تقسیم می‌گردند، شاخص‌هایی مانند هزینه‌های معاملاتی (Transaction - costs) فساد مالی، میزان تعهد دولت به تعهدات و قراردادهایش یا میزان قدرت جامعه مدنی در زمینه الزام دولت به عدم پشت پا زدن به مسؤولیت‌ها، تعهدات، و قراردادهایش، میزان تبعیض و بی‌ضابطگی در استخدام‌های دولتی و میزان بهره‌مندی افراد جامعه از امکانات عمومی، میزان اختلافات مرزی، دامنه و شدت تغییرات در قوانین و مقررات، میزان حاکمیت قانون، میزان تنش‌های نژادی - قومی و گروهی، میزان ارتشا و اختلاس و انواع سوء استفاده‌ها از امکانات دولتی، میزان سرقت، جرم و جنایت و تروریسم، میزان احترام به حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی افراد و ... قابل طرح و اندازه‌گیری می‌شوند.

□ حجة الاسلام جهانیان: امنیت اقتصادی به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی دو بعد دارد: ۱- امنیت سرمایه‌گذاری ۲- امنیت اشتغال و درآمد. البته در ادبیات اقتصادی بعد دیگری نیز برای امنیت اقتصادی در نظر گرفته شده است که در دستور کار امنیت ملی هر کشور قرار دارد. در واقع، این بعد را می‌توان «امنیت اقتصادی دولت» نامید که با دو شاخص «دسترسی سریع کشور به کالاهای ضروری و راهبردی» و «رشد نسبی اقتصادی کشور» ارزیابی می‌شود. از آن‌جا که در این اقتراح، «امنیت اقتصادی مردم» و «نه دولت» مورد نظر است، به تعریف «امنیت سرمایه‌گذاری» و «امنیت اشتغال و درآمد» می‌پردازیم. نکته لازم به ذکر این است که امنیت سرمایه‌گذاری در سطح بنگاه‌های اقتصادی حقیقی و حقوقی مطرح است ولی امنیت اشتغال و درآمد برای آحاد ملت. در تعریف امنیت اقتصادی معیار اصلی و مشترک برای همه ابعاد آن این است که نظام اقتصادی توانایی حفاظت از مردم را در برابر انواع فشارهایی که خارج از کنترل آن‌هاست، داشته باشد.

امنیت سرمایه‌گذاری

امنیت سرمایه‌گذاری را می‌توان چنین تعریف کرد: چهارچوب نهادینه‌ای از شرایط سیاسی، حقوقی و اجتماعی است که اعتماد پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران را جلب کرده، امنیت جانی افراد و امنیت حقوقی معاملات را تضمین می‌کند.

شاخص‌های امنیت سرمایه‌گذاری

در ادبیات اقتصادی موجود درباره «امنیت سرمایه‌گذاری» هنگام بحث از شاخص‌ها از همان آغاز شاخص «میزان ریسک ملی» و زیرمجموعه‌هایش به عنوان تنها شاخص امنیت سرمایه‌گذاری مطرح و از مجموعه شرایط و عواملی که پایه‌ها و مبانی امنیت سرمایه‌گذاری هستند، غفلت می‌شود.

بدین جهت، لازم است در بحث شاخص‌ها دو شاخص کلی یعنی «وجود فرهنگ سرمایه‌گذاری» و «احترام به قراردادها» ارائه شوند که از ویژگی‌های بنیادی جوامع توسعه‌یافته می‌باشند، سپس شاخص «میزان ریسک ملی» و زیرمجموعه‌هایش به عنوان شاخصی برای ارزیابی کشورها از لحاظ میزان دستیابی به امنیت سرمایه‌گذاری معرفی گردد.

الف) وجود فرهنگ سرمایه‌گذاری

تشکیل سرمایه فقط در یک جامعه سرمایه‌شناس ممکن است موفقیت‌پایداری کسب کند. مؤثرترین تجهیزات، اگر به دست انسان‌های صالح و سرمایه‌شناس مورد استفاده قرار نگیرد و در محیط‌پذیرای نوآوری و خواهان ترقی به مرحله اجرا درنیاید، بی‌نتیجه است. هر چند می‌توان فرهنگ سرمایه‌گذاری را به بخش دولتی نیز تا حدودی تزریق کرد ولی آن‌جا که دولت مردان ثبات لازم و انگیزه اقتصادی لازم را ندارند، می‌توان گفت مؤثرترین عامل ایجاد این فرهنگ نهادینه کردن آن در بخش خصوصی (مردم) است که می‌توانند از طریق ایجاد نهادها و عادات و الگوهای فکری و عملی ارزش‌های خود را به نسل‌های بعد انتقال دهند. به همین سبب، این میراث اجتماعی یعنی سرمایه را نمی‌توان بدون همراهی افرادی که آن را مجدداً انطباق دهند و برای الگوی جدیدی از فعالیت نوسازی کنند، انتقال داد.

هر نظام اجتماعی - فرهنگی که سرمایه و ثروت در آن یکی از ارزش‌ها و اهداف کلی آن نظام نباشد، به‌طور طبیعی سرمایه‌گذاری امنیت نخواهد داشت و نظام اقتصادی پویا در آن‌جا شکل نخواهد گرفت. اسلام ثروت و تولید ثروت را به عنوان هدفی اصیل معرفی کرده است اما نه به عنوان هدف غایی و نهایی، بلکه به عنوان هدف متوسط آن؛ زیرا هدف نهایی این نظام پرورش فضایل انسانی و ایفای وظیفه‌ی جانشینی خداوند است.

در این جا بر این نکته تأکید می‌شود که اگر دیدگاه عدالت‌خواهانه اسلام پیاده شود هیچ‌گاه «امنیت سرمایه‌گذاری» منفک از «امنیت اشتغال و درآمد» نخواهد بود، آن‌چنان که در غرب و در جهان سوم ابتدا «امنیت سرمایه‌گذاری» پیاده شد و سپس وقتی ناعادلانه بودن توزیع و عدم تأمین رفاه عمومی فریاد طبقات محروم را به آسمان رساند، بحث «امنیت اشتغال و درآمد» هم مطرح شد.

ب) احترام به قراردادها

سنگ بنای همهٔ امور در هر نظام اجتماعی - فرهنگی، پای‌بندی به عهد و پیمان است، با سست‌شدن آن، همهٔ امور و مناسبات اجتماعی رو به سستی می‌گذارد و ادارهٔ درست امور معنا نخواهد داشت. قرآن کریم بر وفای به عقود و پیمان‌ها تأکید کرده و امیرمؤمنان علی علیه السلام پای‌بندی به عهد و پیمان و قرارداد را بنیاد دینداری، عامل نظم و وحدت اجتماعی و عامل استواری و برتری نظام‌های اجتماعی - فرهنگی می‌داند.

در حوزهٔ اقتصاد، «نهاد قرارداد» بنیادی‌ترین نهاد اقتصادی است که بدون وجود آن نظام اقتصادی و سازمان اقتصادی امکان‌پذیر نخواهد بود. مبنای آن چه به عنوان بازار شناخته می‌شود - چه بازار به معنای نهادی که در آن مبادله کالا انجام می‌شود و چه بازار کار - نهاد قرارداد است. بدون وجود نهاد قرارداد توسعه ممکن نیست. دو نهاد اقتصادی دیگر یعنی «نهاد مالکیت» و «نهاد اشتغال» از «نهاد قرارداد» ناشی شده و در واقع حالت‌های خاصی از قرارداد هستند و محتوای آن را مشخص می‌کنند. اگر نهادهای اقتصادی (قرارداد، مالکیت و اشتغال) ضعیف باشند، عواملان اقتصادی وارد شدن به مبادلات پیچیده بلندمدت و رسمی چندطرفه با تنفیذ شخص ثالث را که از خصوصیات اقتصادهای صنعتی است اگر نه غیرممکن ولی بسیار مشکل می‌یابند. در شرایطی که حقوق مالکیت به شکل ناقص تعریف شود، فعالیت اقتصادی اغلب به مبادله تولیدات به صورت شخصی و در مقیاسی کوچک و محلی محدود می‌گردد تا از بروز مشکلات مربوط به قراردادها جلوگیری شود. نهادهای ضعیف با سوق دادن اشخاص به سمت مبادلاتی که توان بهره‌برداری از استعدادهای نهفته و امکانات خفته یک اقتصاد را ندارند، عملکرد کلی مجموعه اقتصاد را تحت فشار قرار می‌دهند. به بیان دیگر، نهادها عامل اساسی در تعیین میزان عملکرد بلند مدت اقتصادها هستند.

میزان ریسک را به متوسط هزینه اتفاق هر واقعه پیش‌بینی نشده در طول دوران سرمایه‌گذاری برای هر واحد سرمایه تعریف کرده‌اند. طبیعی است هر قدر میزان ریسک افزایش یابد، سرمایه‌گذاری به سمت سرمایه‌گذاری با سوددهی بالا گرایش پیدا می‌کند تا از طریق میزان ریسک اضافی توجیه گردد. عوامل مؤثر در ریسک ملی به ترتیب عبارت‌اند از:

۱- ریسک سیاسی (Politic Risk): این نوع ریسک یا خطر، نشان دهنده میزان قدرت و ثبات سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی، در زمینه پدیده‌هایی مانند جنگ، ناآرامی‌های اجتماعی، فساد، جرم و جنایت است. ریسک سیاسی از نظر وزنی ۲۲٪ ریسک ملی را تعیین می‌کند و به دو عنوان کلی «ثبات سیاسی» و «کارایی سیاسی» تقسیم می‌شود. ثبات سیاسی نشان‌دهنده وضعیت سیاسی از نظر تهدیدهای امنیتی داخلی و خارجی مانند جنگ و ناآرامی‌های اجتماعی است و کارایی سیاسی اداره مطلوب کشور را نشان می‌دهد و به عواملی مانند میزان جرم و جنایت، فساد اداری، دیوان سالاری، نهادهای مدنی و تغییرات در دولت در جهت تأمین اهداف اقتصادی بستگی دارد.

۲- ریسک سیاست‌گذاری اقتصادی (Economic Policy Risk): این ریسک نشان دهنده کیفیت و ثبات سیاست‌های اقتصادی است که شامل پنج زیرگروه سیاست‌های پولی، مالی، ارزی، تجاری و مقرراتی می‌گردد. این نوع ریسک از نظر وزنی ۲۸٪ ریسک ملی را دربر می‌گیرد که بیش‌ترین سهم در تعریف ریسک ملی به‌شمار می‌رود.

در مجموع ثبات سیاسی، کارایی سیاسی و سیاست‌گذاری صحیح اقتصادی، دولت‌ها نیمی از مخاطرات سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را کاهش می‌دهند.

۳- ریسک ساختار اقتصادی (Economic Structure Risk): ریسک ساختار اقتصادی، قدرت پرداخت بدهی ملی به خارجی‌ها را می‌سنجد. این نوع ریسک از نظر وزنی ۲۷٪ ریسک ملی را به خود اختصاص داده است.

۴- ریسک نقدینگی (Liquidity Risk) این ریسک، عدم تعادل بالقوه میان منابع و تعهداتی را که می‌تواند نهادها و بازارهای مالی را آشفته سازد، ارزیابی می‌کند. همچنین ریسک نقدینگی، ثبات پشتوانه سرمایه کشور را اندازه می‌گیرد. این نوع ریسک ۲۳٪ از ریسک ملی را به خود اختصاص می‌دهد.

امنیت اشتغال و درآمد

امنیت اشتغال و درآمد به معنای طرد هرگونه فشار خارج از کنترل افراد یک جامعه در مسیر اشتغال و کسب درآمد برای دستیابی به سطح متوسط رفاه اقتصادی آن جامعه می‌باشد.

این امنیت از طرق ارائه شده در ذیل به دست می‌آید:

برابری حقوق و رفع تبعیض؛ گسترش اشتغال مولد؛ اصلاح قوانین و مقررات اقتصادی؛ بسط فرصت‌های تحصیلی و آموزشی یکسان برای عموم مردم؛ انطباق نظام آموزشی با نیازمندی‌های بازار کار؛ برقراری تناسب بین افزایش قیمت‌ها و افزایش درآمد کارگران و کارمندان و صاحبان درآمد ثابت؛ نظام جامع تأمین اجتماعی؛ حمایت از آسیب‌دیدگان حوادث غیر ارادی، طبیعی، بلایا و ... و اجرای طرح‌های ساماندهی به وضعیت حاشیه‌نشینی شهرها و جلوگیری از گسترش آن‌ها از طریق فراهم نمودن امکانات در مناطق روستایی و محروم.

*** از نظر شما امنیت اقتصادی با اهدافی چون رشد، ثبات، عدالت، مبارزه با مفاسد مالی و**

ثروت‌های نامشروع چه رابطه‌ای دارد؟

□ دکتر مؤمنی: همان‌گونه که در پاسخ سؤال قبل مطرح شد، نابرابری، تبعیض، فقدان نظام حقوق شهروندی و مالکیت کارآمد و فساد مالی از مهم‌ترین عرصه‌های ناامن‌ساز زیرسیستم اقتصادی به شمار می‌آیند که با یکدیگر رابطه‌ای تعاملی و ارگانیک دارند و بیش‌ترین آسیب‌ها را به رشد و توسعه ملی تحمیل می‌نمایند.

شاید برای همه ما جالب باشد که در مهم‌ترین آثار کلاسیک نظریه‌پردازان توسعه سیاسی و نظریه‌پردازان توسعه اقتصادی، رابطه‌ای معنی‌دار میان فساد مالی و حاکمیت کودتایی نظامیان مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور مشخص این مسئله را می‌توان در آثار دهه ۱۹۷۰ گونار میردال، اقتصاددان شهیر توسعه و نیز ساموئل هانتینگتون در عرصه سیاسی مشاهده نمود. نکته دیگر این‌که در اغلب محاسبات مهم مربوط به رابطه فساد مالی و رشد اقتصادی، روی این نکته اتفاق نظر وجود دارد که یک نظام فاسد اداری منشأ کاهش بهره‌وری متوسط سرمایه‌گذاری‌های عمومی، ائتلاف‌های وسیع در منابع، امتناع

رقابت شرافتمندانه و افزایش نابرابری‌ها به واسطه امکان‌پذیری به کارگیری شیوه‌های نامشروع کسب درآمد، تضعیف انگیزه‌ها و بروز پدیده یأس عمومی نسبت به آینده و نیز بحران مشروعیت، بی‌اثر شدن سیاست‌های بازتوزیعی درست، کاهش درآمدهای مالیاتی دولت، ضایع شدن حقوق سیاسی - اجتماعی و اقتصادی شهروندان، افزایش هزینه‌های معاملاتی و ... می‌شود. هریک از این عناصر، به نوبه خود فضای عملکرد اقتصادی را ناامن می‌سازند و متقابلاً ناامنی نیز به گسترش و تعمیق ناهنجاری‌های مزبور منتهی می‌شود.

□ حجة الاسلام جهانیان: امنیت سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی را به ارمغان می‌آورد و رشد اقتصادی با محتوای «گسترش اشتغال مولد» یکی از عوامل تأمین امنیت اشتغال و درآمد است. نسبت به ثبات، همان‌طور که در مبحث ریسک ملی مطرح شد، یکی از مشکلاتی که سرمایه‌گذاران با آن مواجه‌اند عدم ثبات سیاسی اجتماعی و عدم ثبات سیاست‌گذاری‌های اقتصادی می‌باشد که حدود ۵۰٪ مخاطرات سرمایه‌گذاری ناشی از این دو عامل می‌باشد. در ارتباط با عدالت، یکی از مخاطراتی که امنیت سرمایه‌گذاری را تهدید می‌کند عدم وجود مفهوم شفاف و روشنی از عدالت اجتماعی و اقتصادی و عدم ارائه شاخص‌های عملیاتی و کارا از عدالت می‌باشد. از سوی دیگر، امنیت اشتغال و درآمد نیز به دلیل این که به‌طور مستقیم با عموم مردم سروکار دارد نیاز به درک مفهوم شفاف عدالت را بیش‌تر می‌کند.

امام عدالت‌گستران امیر مؤمنان علی علیه السلام عدالت کاربردی را با سه شاخص معین کرده است: برابری خودی و بیگانه در اجرای حق و حدود الهی؛ حق محوری و قانون‌گرایی؛ و بالاخره برابری عموم مردم در توزیع امکانات عمومی.

در ارتباط با مفاسد مالی و ثروت‌های نامشروع یکی از مهم‌ترین موانع فرایند رشد و توسعه اقتصادی، فساد بخش عمومی و نهادها و مؤسسات ناکارآمد دولتی می‌باشد. حدود ۵۰٪ از درآمد بخش خصوصی در برخی کشورها صرف «هزینه‌های مبادلاتی» ناشی از فساد این بخش می‌شود. فساد مالی خود را به شکل رشوه و درخواست مبالغ ویژه در زمینه مجوزهای واردات و صادرات، کنترل‌های ارزی، ارزیابی‌های مالیاتی، خدمات

حمایتی پلیس یا اعطای وام نشان می‌دهد. در جوامع با حکومت غیرمردمی و یا دولت‌های با بیش از ده سال حاکمیت، ممکن است مقامات دولتی به پذیرش ارتشا عادت کرده و پرداخت‌های غیرقانونی از نظر جامعه امری پذیرفته شده و عادی تلقی شود. براساس برخی نظرسنجی‌ها از مدیران عالی‌رتبه ۳۶۰۰ شرکت خصوصی ۶۹ کشور، بیش از ۴۰٪ مدیران گزارش داده‌اند که برای انجام کارهای خود مجبور به پرداخت رشوه بوده‌اند و این امری عادی بوده است. در کشورهای صنعتی این رقم ۱۵٪، در آسیا ۳۰٪، و در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بیش از ۶۰٪ بوده است.

به علاوه بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان در سراسر جهان اظهار داشته‌اند که به‌رغم پرداخت رشوه، مطمئن نیستند کاری که بابت آن رشوه پرداخت شده حتماً عملی خواهد شد و در بسیاری موارد این بیم وجود دارد که مأمور دیگری از رشوه‌دهنده وجه دیگری را مطالبه کند. به‌هر تقدیر، فساد مالی بیش‌تر، معادل امنیت اقتصادی کم‌تر است و مطالعات انجام شده نشان‌دهنده وجود همبستگی منفی میان «سطح فساد مالی»، «سرمایه‌گذاری» و «رشد اقتصادی» است. البته مطالب فوق درباره دولتی است که دارای درآمدهای نفتی نباشد، و الاً مشکل فساد مالی حادث‌تر می‌شود؛ زیرا به خاطر ضعف نهادهای مدنی در کشورهای نفت‌خیز نظارت عمومی کم‌تری وجود دارد.

* وضعیت کنونی امنیت اقتصادی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ دکتر مؤمنی: با کمال تأسف در اکثر قریب به اتفاق بررسی‌های بین‌المللی امنیت اقتصادی، ایران در زمره کشورهای قرار داشته که ضعیف‌ترین کارنامه‌ها را دارند. مطالعات تاریخی، نمایان‌گر آن است که پدیده ناامنی اقتصادی، ریشه‌های بسیار عمیق در تاریخ اقتصادی ایران دارد؛ حاکمیت، به واسطه ساخت سیاسی مطلقاً استبدادی، رابطه منطقی و معنی‌داری با قانون و ضابطه برقرار نساخته و اعمال خشونت و تکیه بر زور را مهم‌ترین پایه مشروعیت حکومت قرار داده است. در حالی که در اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان، دولت‌ها اساسی‌ترین مسئولیت خود را ایجاد امنیت تعریف می‌کنند، در طول تاریخ، دولت‌ها مهم‌ترین عامل ناامن‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در ایران بوده‌اند. وجود ضرب‌المثل‌هایی مانند الحق لمن غلب، یا السیف برهان قاطع و نیز نهادی

شدن پدیده پنهان‌کاری و رواج همیشگی فعالیت‌های سوداگرانه و دلّالی، بی‌اعتنایی تاریخی به فعالیت‌های مولد در تاریخ اقتصادی ایران، تلقی «پول زور» نسبت به مالیات و ... همگی حکایت از مزمن و حاد بودن این مسئله در ایران دارند؛ ضمن آن که طی دهه‌های اخیر، تغییرات مکرر در سیاست‌ها و مقررات اقتصادی و حاکمیت رویکرد «روزمرگی» در مسائل اقتصادی، نوسانات شدید درآمدهای ارزی کشور، بی‌دفاع گذاشتن تولیدکنندگان داخلی در برابر رقبای خارجی، تمرکز فشار نظام‌های نظارتی و مالیاتی بر فعالیت‌های مولد و ... نیز همواره عناصر محوری شرایط اقتصادی کشور بوده‌اند. طی سال‌های اجرای برنامه شکست خورده تعدیل ساختاری در ایران، فاجعه واخواست‌های مکرر بدهی‌های خارجی سررسید شده، نقش تعیین‌کننده‌ای در معرفی اقتصاد کشورمان به عنوان یکی از ناامن‌ترین اقتصادهای جهان داشته است.

□ حجة الاسلام جهانیان: براساس گزارش‌های مؤسسات معتبر بین‌المللی که میانگین وزنی ۱۲ متغیر نهادی (عملکرد اقتصادی، ثبات دولت، تنش‌های قومی، جنگ‌های خارجی، فساد مالی، کیفیت نظام اداری، ترور و خشونت سیاسی، جنگ داخلی، حقوق سیاسی، آزادی‌های مدنی، حاکمیت قانون، ابطال قراردادهای توسط دولت) را در ۱۳۰ کشور بررسی کرده‌اند، امنیت اقتصادی در ایران از حد متوسط به پایین بوده است. کشورهای افریقایی پایین‌ترین مقدار و ۲۰ کشور صنعتی بالاترین میزان امنیت اقتصادی را در سطح جهان دارا هستند. آمار خالص جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی سال‌های ۱۹۹۵ - ۱۹۸۵ برای ایران نشان‌دهنده این است که در طی این مدت به‌طور متوسط ۱۰۹ میلیون دلار سرمایه از کشور خارج شده است. عدم قدرت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ایران را در معرض خطر حاشیه‌ای شدن در صحنه جهانی قرار خواهد داد.

از سوی دیگر، با توجه به شاخص‌های فرهنگ سرمایه‌گذاری، احترام به قراردادهای و میزان ریسک نیز وضعیت امنیت اقتصادی در ایران قابل بررسی است. کارشناسان امور سرمایه‌گذاری عموماً بر این اعتقادند که شرایط کلان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور از پنج دهه گذشته تا کنون به ویژه در چند سال گذشته به گونه‌ای است که صاحبان سرمایه حاضر نیستند سرمایه‌های خود را به آسانی نشان دهند و در فعالیت‌های آشکار تولیدی به کار اندازند.

* برای بهبود امنیت اقتصادی چه راه‌کارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟

□ دکتر مؤمنی: چنان‌که گفته شد مطالعات تاریخی، نمایان‌گر آن است که این پدیده از یک سابقه بسیار طولانی تاریخی و گستره و عمق نگران‌کننده‌ای در کشورمان برخوردار است. در شرایط کنونی نیز علاوه بر استمرار بخش عمده عوامل تاریخی ناامن‌کننده فعالیت‌های اقتصادی، شرایط متحول جهانی نیز از یک سو مرتباً اعمال حق حاکمیت ملی را با دشواری‌های بیش‌تر و محدودیت‌های افزون‌تر همراه می‌سازد و از سوی دیگر، به کشمکش‌ها و هرج و مرج‌های منطقه‌ای دامن می‌زند. بنابراین ابتدا باید به این مسئله در حد و اندازه اهمیتی که دارد، در نظام تولید اندیشه علمی و نیز نظام سیاست‌گذاری کشور، بهای لازم داده شود و این موضوع محور یک سلسله مطالعات جدی کارشناسی قرار گیرد. نکته مهم دیگر این است که در هیچ کشوری از کشورهای موفق در زمینه ایجاد امنیت اقتصادی، برخورد با مسئله از نظام اجرایی شروع نشده است؛ بلکه در تمام تجربیات موفق، راه‌اندازی و ایجاد یک قوه قضائیه با شش ویژگی: سریع، قاطع، سالم، در دسترس، ارزان و مورد اعتماد بودن در اولویت برنامه‌های امنیت اقتصادی قرار داشته است و به خصوص عنصر جلب اعتماد عمومی توسط یک دستگاه کارآمد قضایی، از منزلتی استثنایی برخوردار بوده است.

علاوه بر آن، شفاف‌سازی فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع، مبارزه بی‌امان با بی‌قانونی، ملزم ساختن همه عناصر و اجزای حاکمیت به قانون‌گرایی و پاسخ‌گویی، مبارزه بی‌امان با فساد و رانت‌خواری در قالب یک برنامه همه‌جانبه ملی و نهادمند، ساخت نظارت‌های تخصصی مدنی و بالأخره حمایت‌های وسیع و قاطع از مطبوعات آزاد و مستقل، مهم‌ترین ارکان برنامه‌های ایجاد امنیت اقتصادی را تشکیل می‌دهند. در این زمینه، به درستی از مطبوعات آزاد و مستقل به عنوان «قلب» برنامه‌های ایجاد امنیت اقتصادی نام برده می‌شود؛ زیرا تنها در سایه وجود حمایت‌های قانونی از مطبوعات آزاد است که شفافیت، پاسخ‌گویی و نظارت معنا پیدا می‌کند.

شاید در کشور ما بتوان اقبال بی‌سابقه‌ای را که از برنامه‌های جناب آقای سیدمحمد خاتمی طی سال‌های اخیر صورت گرفته است، علامتی به حساب آورد برای رسیدن جامعه به یک سطح بلوغ فکری، سیاسی و اجتماعی و احساس نیاز عمیق به امنیت.

شعارهایی مانند اولویت توسعه سیاسی، شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع، دولت پاسخگو و ... همگی عناصری هستند که موجب امنیت اقتصادی بوده، امکان انباشت سرمایه‌های انسانی و فیزیکی را تسهیل می‌سازند. بنابراین، کمک به پیشبرد این آرمان‌ها در واقع کمک به تحقق اهداف توسعه اقتصادی است. به علاوه در کشورهایی که با مشکل امنیت اقتصادی روبه‌رو هستند، همواره یک خطر اساسی و مهم نیز وجود دارد و آن خطر مطلق‌انگاری در زمینه امنیت اقتصادی در صورت استمرار مشکلات در این زمینه است؛ به این معنا که تمرکز بر مسئله امنیت در واقع حکم یک استراتژی فرار از مسئولیت‌ها و تعهدات قانونی افراد را پیدا می‌کند و هر کس به جای پاسخگو بودن در حوزه مسئولیت‌های خویش، همه گناه‌ها را متوجه ناامنی کرده از تعهد و مسئولیت‌شناسی شانه خالی کند؛ برای مثال. طی ده سال گذشته از طریق سیاست‌هایی مثل آزادسازی واردات یا ایجاد بندر آزاد، بی‌سابقه‌ترین خسارت‌ها به اقتصاد و توسعه ملی در ایران تحمیل شد اما به محض آن که از مسئولان مربوطه درباره عملکرد وعده‌ها و انتظاراتی که از اعمال این سیاست می‌رفت - از قبیل جذب سرمایه‌های خارجی و ... - سؤالی می‌شود، آن‌ها مشکل امنیت سرمایه را مطرح می‌سازند، در حالی که در همین دوره در بخش نفت به ازای اعلام هر یک دلار نیاز ما به سرمایه خارجی، چند صد دلار سرمایه خارجی برای حضور اعلام آمادگی کرده است.

این افراد باید برای تناقض‌هایی از این قبیل که شرایطی ایجاد کرده‌اند که مثلاً وزیر «کار» کشورمان به صراحت از نداشتن مسئولیت در زمینه «کار» و اشتغال برای جوانان سخن به میان آورد، توضیحی قانع‌کننده ارائه نمایند. تنها در صورت وجود مطبوعات آزاد و مستقل است که راه بر این‌گونه فرار از مسئولیت‌ها نیز بسته خواهد شد و از مطلق‌انگاری در باب «حد» و اندازه نقشی که این عامل در کنار سایر عوامل در استمرار وضعیت موجود دارد، جلوگیری می‌شود. طی همین چهار سال اخیر، به رغم همه فشارهایی که بر مطبوعات آزاد و مستقل وارد گردید، اقتصاد ایران شاهد علنی شدن بسیاری از مبارزات پنهان برای کسب مجوزهای واردات و توزیع رانتهای نفتی بود و در همین حد نیز دستاوردهای جالبی را به همراه داشت.

□ حجة الاسلام جهانیان: از آن جا که بی ثباتی سیاست‌ها بزرگ‌ترین منبع زیان‌های ناشی از فعالیت دولت است (حدود ۵۰٪ میزان ریسک ملی) دولت ایران می‌بایست در مرحله اول مخاطراتی را که از رفتار دولت در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ناشی می‌شود و به شهروندان آسیب می‌زند، کاهش دهد. احترام به حقوق مالکیت توسط حاکمیت، تعهد دولت به قراردادهای، حاکمیت قانون، کاهش خطای برنامه‌ریزی اقتصادی، گسترش آزادی‌های مدنی، کاهش مناقشات داخلی حاکمیت، افزایش کیفیت نظام اداری، مبارزه با فساد مالی و تخلفات اقتصادی و ثروت‌های نامشروع، و تشنج‌زدایی در روابط بین‌الملل از اموری است که دولت می‌بایست برای کاهش میزان ریسک سیاسی انجام دهد.

اما میزان ریسک سیاست‌گذاری اقتصادی وقتی کاهش می‌یابد که دولت با اعلام سیاست‌ها و مقررات شفاف اقتصادی و ثبات قوانین و مقررات حامی رشد اقتصادی حتی در صورت تغییر مدیریت‌های اقتصادی، و حداقل کردن بوروکراسی دولتی در عملیات بنگاه اقتصادی، و پیش‌بینی بحران‌ها و اتخاذ سیاست‌های مناسب جهت مقابله با آن‌ها گام‌های پی‌گیری را در راستای قانون اساسی کشور بردارد.

البته در بلندمدت، دولت می‌بایست با احیای ارزش‌های دینی و ایجاد نظام فرهنگی ناب اسلامی از یک سو، و گسترش آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از سوی دیگر، در تأسیس نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی نسبتاً خودمختار و آزاد بکوشد؛ زیرا بدون ایجاد این نظام‌های به‌طور نسبی مستقل و خودمختار، «امنیت اقتصادی» و «رفاه اجتماعی» به نحو پایدار تحقق نخواهد یافت.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی